

سرشناسه:	قنبری، حمید، ۱۳۴۲
عنوان و نام پدیدآور:	جرایم امنیتی و مقررات مقابله با آن / حمید قنبری.
محل تصدیق:	قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۳.
ه مشخصات ظاهری:	۲۵۶ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۳۰۰-۸: ریال: ۱۱۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	جرم جنایت
موضوع:	جرایم علیه امنیت عمومی
موضوع:	امنیت داخلی
موضوع:	مخاربه (فقه)
موضوع:	بغاه
شناسه افزوده:	پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع) انتشارات زمزم هدایت
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ق ۹ ج ۴ / HV۶۵۲۱
رده‌بندی دیویی:	۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی:	۳۴۸۳۸۲۶

جرايم امنيتي

و مقررات مقابلہ با آن

حميد قنبري

www.ketab.ir
زنگنه
تکثیرات

www.ketab.ir

زینت
دشتم

جرائم امنیتی و مقررات مشابه با آن



نویسنده: حمید قنبری
صفحه آراء: علی نصیر محمدی
ناشر: زمزم هدایت



چاپ: نینوا ○ نوبت چاپ: اول ○ تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ ○ قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۶-۳۰۰-۸



آدرس ناشر: قم، خیابان نورشهر، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۰۲۵-۳۷۳۰۷۳۵، همراه: ۰۹۱۲۵۳۲۸۸۷

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۳۱	بخش اول: مفاهیم و واژه‌شناسی
۳۱	گفتار اول: جرم
۳۱	تعریف لغوی و اصطلاحی جرم
۳۲	تعریف جرم در قانون و عناصر تشکیل دهنده آن
۳۳	تقسیم‌بندی جرایم
۳۸	معاونت و مشارکت در جرم
۴۰	گفتار دوم: حکومت
۴۱	گفتار سوم: امنیت
۴۱	تعریف لغوی امنیت
۴۲	موارد کاربرد امنیت در قرآن
۴۶	مفهوم اصطلاحی امنیت و جرایم امنیتی
۴۸	بخش دوم: مروری بر جرایم امنیتی در منابع فقهی و حقوقی
۴۸	گفتار اول: منابع فقهی
۴۸	گفتار دوم: قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران

فصل دوم: بررسی مفهومی و چیستی جرایم امنیتی

بخش اول: بغی از دیدگاه منابع دینی	۵۹
گفتار اول: تعریف بغی	۶۰
۱. بغی در لغت	۶۰
۲. بغی در اصطلاح فقها	۶۰
گفتار دوم: بغی در قرآن و سنت	۶۱
بغی در قرآن	۶۱
بغی در سنت	۶۶
گفتار سوم: بغی از دیدگاه فقها	۷۱
تعریف اصطلاحی بغی	۷۱
تجزیه و تحلیل تعاریف	۷۳
خروج از حاکمیت یا علیه حاکمیت؟	۷۳
قیام علیه امام و رهبر غیر معصوم	۷۴
شرایط تحقق بغی	۷۸
احکام شرعی و مقررات جنگ با بغات	۸۳
موارد استثنا	۸۸
بخش دوم: محاربه و افساد فی الارض از دیدگاه منابع دینی	۹۱
گفتار اول: محاربه و افساد فی الارض در قرآن	۹۲
محاربه و افساد فی الارض از دیدگاه مفسران	۹۴
گفتار دوم: محاربه و افساد فی الارض از دیدگاه فقها	۹۸
محاربه از دیدگاه امام خمینی	۹۹
بررسی واژه‌های به کار رفته در تعریف محاربه	۱۰۰
گفتار سوم: انواع کیفر و مجازات محاربه	۱۰۵
گفتار چهارم: توبه محارب	۱۰۷
گفتار پنجم: برخی از احکام متفرقه محاربه	۱۱۰
بخش سوم: جرایم امنیتی در حقوق کیفری جمهوری اسلامی	۱۱۱
گفتار اول: جرایم امنیتی در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)	۱۱۱
محاربه	۱۱۱
بغی و افساد فی الارض	۱۱۲

۱۱۴	سایر جرایم امنیتی.....
۱۱۴	۱. برهم زدن امنیت کشور.....
۱۱۴	۲. تبلیغ علیه نظام.....
۱۱۴	۳. جاسوسی، ورود غیر مجاز به مراکز دارای اطلاعات طبقه بندی شده و.....
۱۱۵	۴. تحریک مردم یا نیروهای مسلح به قصد برهم زدن امنیت و.....
۱۱۶	۵. همکاری با دشمن خارجی علیه جمهوری اسلامی ایران.....
۱۱۶	۶. تهدید به بمب گذاری؛.....
۱۱۷	۷. سوء قصد به مقامات داخلی یا خارجی؛.....
۱۱۷	تفاوتهای جرایم امنیتی با دیگر جرایم در قانون مجازات اسلامی.....
۱۲۱	گفتار دوم: جرایم امنیتی در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح.....
۱۲۲	جرایم ماهیتاً امنیتی.....
۱۲۲	۱. براندازی.....
۱۲۲	۲. تشکیل جمعیت برای برهم زدن امنیت.....
۱۲۳	۳. اقدام برای جدا کردن سببی از علم و کشور.....
۱۲۳	۴. کمک و همکاری با دشمن.....
۱۲۳	۵. تحریک نظامیان برای فرار، تسلیم و.....
۱۲۴	۶. جاسوسی.....
۱۲۵	۷. شورش.....
۱۲۵	جرایم ذاتاً غیر امنیتی منجر به جرایم امنیتی.....
۱۲۶	۱. گزارش خلاف واقع، کتمان حقایق و.....
۱۲۶	۲. فروش، حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح.....
۱۲۷	۳. سرقت اسلحه و مهمات و.....
۱۲۷	۴. آتش زدن و تخریب و اتلاف.....

فصل سوم: مبانی مقابله با جرایم امنیتی و حدود وظایف نیروهای مسلح

۱۳۱	بخش اول: مبانی مشروعیت مقابله با جرایم امنیتی.....
۱۳۱	گفتار اول: دفاع.....
۱۳۳	دفاع از منظر فقه.....
۱۳۳	أ. دفاع از مال، ناموس و جان.....
۱۳۴	ب. دفاع از اسلام و سرزمین های اسلامی.....

گفتار دوم: امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۳۵
گفتار سوم: آیات مقابله با اخلاص گران و برهم زندگان امنیت مردم.....	۱۳۶
بخش دوم: قانون، محور و مدار مقابله با مجرمان.....	۱۴۲
گفتار اول: قانون و قانون گرایی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری (مدظله العالی).....	۱۴۲
گفتار دوم: محوریت قانون الهی در حکومت دینی.....	۱۴۵
اختیارات حضرت پیامبر ﷺ در قانون گذاری.....	۱۵۰
گفتار سوم: رابطه قوانین جمهوری اسلامی با قوانین الهی.....	۱۵۱
گفتار چهارم: نکته های اساسی.....	۱۵۴
رابطه اوامر ولایی و حکومتی ولی فقیه با فتاوی دیگر مراجع.....	۱۵۴
وظیفه سنگین منسوبین به نظام در قانون پذیری.....	۱۵۷
بخش سوم: وظایف مردم و حاکمیت در مقابله با جرایم امنیتی.....	۱۶۱
گفتار اول: وظایف مردم.....	۱۶۱
گفتار دوم: مأموریت ها، وظایف نیروهای انتظامی و نظامی.....	۱۶۶
مأموریت و وظایف اختصاصی.....	۱۶۸
۱. مأموریت و وظایف اختصاصی نیروی انتظامی.....	۱۶۸
۲. مأموریت و وظایف اختصاصی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.....	۱۷۰
۳. مأموریت و وظایف اختصاصی ارتش.....	۱۷۱
۴. مأموریت و وظایف اختصاصی وزارت اطلاعات.....	۱۷۲
مأموریت ها و وظایف مشترک.....	۱۷۴
۱. مبارزه با خرابکاری.....	۱۷۴
۲. نگهداری از دستاوردهای انقلاب.....	۱۷۴
۳. حفاظت از مسئولان، شخصیت ها، اماکن، و... طبقه بندی شده غیر نظامی.....	۱۷۵
۴. جمع آوری و خلع سلاح.....	۱۷۶
۵. اجرای وظایف قوه قضائیه به عنوان ضابط دادگستری.....	۱۷۶
همکاری نیروهای مسلح با یکدیگر.....	۱۷۹
۱. همکاری متقابل اطلاعاتی و وزارت اطلاعات و نیروهای مسلح.....	۱۷۹
۲. همکاری نیروهای مسلح با یکدیگر در امور نظامی و انتظامی.....	۱۸۱

فصل چهارم: جرایم و تخلفات کارکنان نیروهای مسلح در مقابله با جرایم امنیتی

بخش اول: کوتاهی از وظایف و تکالیف سازمانی.....	۱۸۵
--	-----

گفتار اول: تخلف و سرپیچی از دستور و تکالیف	۱۸۵
سرپیچی از تکالیف نظامی، مصوبات مراجع ذی صلاح و اوامر مافوق	۱۸۶
عدم استفاده از تمام وسائل دفاعیه در برابر دشمن	۱۸۶
لغو دستور مافوق	۱۸۷
تمارض، صدمه وارد کردن به خود	۱۸۷
اقدام خود سرانه	۱۸۸
گفتار دوم: فرار، عدم حضور یا ترک محل خدمت	۱۹۰
۱. عدم حضور در محل مأموریت	۱۹۱
۲. ترک محل نگهداری و خوابیدن ارادی	۱۹۱
۳. غیبت و فرار در زمان جنگ	۱۹۲
گفتار سوم: تحرّج کارکنان نیروهای مسلح	۱۹۲
تحرّج از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)	۱۹۳
تحرّج از منظر قانون	۱۹۵
چرایی ممنوعیت تحرّج کارکنان نیروهای مسلح	۱۹۶
ضرورت بصیرت و بینش سیاسی برای علّامان	۱۹۸
بخش دوم: رعایت نکردن یا تجاوز به حقوق شهروندی	۲۰۲
گفتار اول: جایگاه حقوق شهروندی در اسلام	۲۰۲
حقوق شهروندان از دیدگاه پیشوایان دین	۲۰۳
حقوق شهروندی از نگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی	۲۰۶
آثار رعایت حقوق متقابل و پیامدهای عدم رعایت آن	۲۰۹
آثار مثبت رعایت حقوق متقابل مردم و حکومت:	۲۱۰
پیامدهای منفی رعایت نکردن حقوق متقابل حاکمیت و مردم	۲۱۰
گفتار دوم: مصادیق تجاوز به حقوق شهروندان	۲۱۱
ورود و تصرف در ملک دیگری	۲۱۲
تجسس، نفّیث و بازرسی	۲۱۵
تجسس مشروع	۲۱۹
برخی از مقررات و ضوابط تجسس در موارد مجاز	۲۲۱
هتک حرمت، تهمت، دشنام	۲۲۳
سلب آزادی (احضار، جلب و حبس)	۲۲۸

۲۳۰	 برخی از مقررات احضار، جلب و بازداشت
۲۳۲	 مجازات‌های سلب آزادی، بازداشت و حبس غیر قانونی (بدون مجوز)
۲۳۳	 اقرار گرفتن با اکراه، اجبار، شکنجه و...
۲۳۴	 گفتار سوم: مسئولیت مدنی و کیفری مأموران
۲۳۵	 مسئولیت مدنی و کیفری و موجبات ضمان
۲۳۸	 شاخص‌های تأثیر گذار در مسئولیت‌های کیفری و مدنی
۲۴۰	 دفاع مشروع و حدود مسئولیت‌های کیفری و مدنی مدافع
۲۴۶	 برخی از مقررات متفرقه
۲۵۱	 فهرست منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا * مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَازْرَعَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوَاقِهِ يَعْجِبُ الزُّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد! * محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، مانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی

وامی دارد، این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان

آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمزش و اجر عظیمی داده است.

از دیرباز حکومت‌ها و دولت‌های فراوانی آمده و پس از چند صباحی حکومت را به دیگری سپرده و با به جا گذاشتن نامی نیک یا بد، از این جهان رفته‌اند.^۱ اگرچه این آمد و شدها به ظاهر حاکی از گسستگی همه دولت‌ها از یکدیگر است؛ و چه بسا دولت‌های پسین، دولت‌های پیشین را سرنگون کرده‌اند. اما با اندکی تأمل در معارف دینی و به ویژه قرآن کریم متوجه می‌شویم که این گسستگی بین دولت‌ها فقط درباره دولت‌های باطل صادق است نه پیامبران الهی و دولت‌های حق، زیرا همه انبیا و اولیای الهی یک سخن می‌گویند و به رغم فاصله زمانی زیادی که بین حکومت پیامبران سابق و لاحق وجود داشته است همه آنها دارای اهداف مشترک بوده و پیوستگی کامل برخوردار بودند، و پیامبران لاحق یا مروّج شریعت پیامبر سابق بودند و یا تکمّل آنها؛^۲ و همواره پیامبران پیشین ظهور پیامبران بعدی را بشارت داده و انبیای بعدی از پیامبران پیشین ب نیکی یاد کرده و همه را تصدیق نموده‌اند؛^۳ و این در حالی است که حکومت‌های غیر الهی از حکومت‌های پیشین جز به زشتی یاد نکرده‌اند؛ و این طریقت، دلیلی است بر حقانیت دولت‌های الهی و باطل بودن دولت‌های غیر الهی؛ و نیز بشارت دهنده این نوید که در نهایت دولت حق پیروز است، وجود پیروان چند میلیاردی سه

۱. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلْهَا بَيْنَ النَّاسِ (آل عمران: ۹۶)»

و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم (و این خاصیت زندگی دنیاست)

۲. «إِنَّمَا بُعِثَ لِتَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ من از آن جهت برانگیخته شدم که مکرمات (شرافت‌ها)ی اخلاقی را

کامل و تمام کنم (و همه را بیاموزم) حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیة / ترجمه

احمد آرام؛ تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش. ج ۶؛ ص ۶۷۵.

۳. برخی از آیات بدین شرح است:

أ. وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (فاطر: ۳۱) و آنچه از کتاب به تو

وحی کردیم حق است و تصدیق کننده و هماهنگ با کتب پیش از آن، خداوند نسبت به بندگانش خبیر و بیناست!

ب. وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ

بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (صف: ۶) و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم

گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم در حالی که تصدیق کننده کتابی که پیش از من

فرستاده شده (تورات) می‌باشم، و بشارت دهنده به رسولی که پس از من می‌آید و نام او احمد است!» هنگامی که او

[احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار!»

پیامبر اولوالعزم و نبود نام نیک و از بین رفتن پیروان دولت‌های باطل پیشین؛ شاهدی است گویا بر این سخن.

ارسال پی‌درپی پیامبران یکی از سنت‌های قطعی الهی است، و بر این اساس پیامبران الهی با اهداف مشترک یکی پس از دیگری آمدند و رفتند^۱ تا اینکه نوبت به خاتم پیامبران رسید و در چهارده قرن قبل خدای متعال بر انسان‌ها منت گذاشت و بزرگ‌ترین نعمت خود یعنی پیامبر مکرم ﷺ اسلام را به بشر هدیه داد و به برکت آن وجود شریف، نور هدایت الهی جهان را روشن کرد و اسلام با سرعتی چشم‌گیر عالم گیر شد؛ و به تعبیر قرآن کریم مَثَل مسلمانان در تورات و انجیل مانند زراعتی است که جوانه‌های خود را با همه نازکی خارج ساخت سپس به تقویت آن پرداخت تا محکم شد و بر روی پای خود ایستاد و به قدری رشد و نمو کرد که زارعان را به سبب رشد سریع و قدرت گرفتن بیش از اندازه به شگفتی درآورد.^۲

آری مسلمانان به برکت ده دهه تربیت پیامبر مکرم اسلام ﷺ و تعالیم انسان‌ساز قرآن کریم در کمتر از نیم قرن، بسیاری از جهان‌آنها روزگار را فتح کردند و پرچم اسلام و صدای حق را به گوش جهانیان رساندند. اما متأسفانه پس از چند قرن به دلیل دور شدن از معارف اسلام و عمل نکردن به دستورهای قرآن و اهل بیت، به تدریج از او جسی که داشتند فاصله گرفته و روبه انحطاط (نسبی) رفتند.

تا اینکه پس از گذشت چهارده قرن، بار دیگر مردی از سرزمین همان پیامبر ﷺ انقلابی دیگر را طلایه‌داری کرد تا دین جدش را احیا کند و زمینه و زمانه را برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) مهیا سازد. به لطف خدا و به مصداق آیه شریفه یاد شده، رشد و نمو این انقلاب هم مانند زمان پیامبر ﷺ به قدری سریع بود که با گذشت سه دهه از عمر با برکت آن، بذره‌های این انقلاب تبدیل به جوانه و جوانه‌های آن تبدیل به درختی تناور با شاخ و برگ‌های بسیار فراوان

۱. ثُمَّ أَرْسَلْنَا رَسُولَنَا تَتْرَا كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةٌ رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعْدَ لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (مومنون: ۴۴)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند و لی ما این امت‌های سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند). (دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان

نمی‌آورند!) (۴۴)

۲. سوره فتح آیه ۲۹

شد و همه جهانیان را به تعجب واداشت؛ اما از آن جایی که سنت‌های الهی قطعی و تغییرناپذیر است^۲ بنابراین اگر امتی بر صراط حق پافشاری و استقامت ورزید، نصرت الهی شامل حالش شده و پیروزی نهایی از آن او خواهد بود^۳ و اگر از مسیر حق منحرف گشت و از صراط مستقیم دور شد، به نسبت دور شدن از صراط حق، سقوط خواهد کرد. و این، سنت قطعی خداوند است که، عاقبت بدکرداران، عاقبت خوشی نخواهد بود.^۴

انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی خارج نیست و در نتیجه، تازمانی که بر صراط حق باشیم، حق هم یاورمان خواهد بود؛ اما به میزان زاویه گرفتن از صراط حق به دره هلاکت و سقوط نزدیک خواهیم شد. از این رو اگر بخواهیم از سقوط انقلاب (خدای ناکرده) جلوگیری کنیم، باید علل و عواملی را که موجب رشد و گسترش سریع مسلمانان در صدر اسلام و سقوط آنها پس از چند قرن شد را شناسایی کرده و عوامل گسترش اسلام را تقویت و از علل انحطاط آن جلوگیری کنیم.

بسیار روشن است که بر اساس متن به این موضوع علاوه بر اینکه خارج از موضوع کتاب است، پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ اما از آنجایی که آیه مزبور به یکی از علل گسترش اسلام

۱. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (ابراهیم / ۲۴) تَوْتِي أَكْلَهَا كُلِّ حِينٍ يَأْتِيَنَّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵) وَمِثْلَ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶)

آینا ندیدی چگونه خداوند «کلمه طیب» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟! (۲۴) هر زمان میوه خود را به آذن پروردگارش می‌دهد. و خداوند برای مردم مثل‌هایی زند، شاید متذکر شوند (و پند گیرند)؟! (۲۵) «کلمه خبیثه» (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد. (۲۶)

۲. فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر: ۴۳) هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی!

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَصَرَّوْا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد. (۷)

۴. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السَّوْاِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ (روم: ۱۰) سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند! (۱۰)

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَصَاؤْا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنٰی (نجم: ۳۱) و برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا بدکاران را به کیفر کارهای بدشان برساند و نیکوکاران را در برابر اعمال نیکشان پاداش دهد! (۳۱)

که با موضوع این کتاب مرتبط است اشاره کرده، در این جا به اختصار به بررسی آن می پردازیم.

خداوند متعال در قسمت اول آیه ۲۹ سوره فتح یکی از ویژگی های حضرت پیامبر ﷺ و یارانش را «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بر شمرده و بدون شک این دو ویژگی دو عامل بسیار مهم پیشرفت مسلمانان بوده است؛ بنابراین نبود این دو خصوصیت می تواند موجب انحطاط مسلمانان بشود؛ زیرا شدت و استقامت در برابر دشمن؛ و رحمت و اتحاد خودی ها و مسلمانان که آیه شریفه به آن اشاره کرده است؛ دو عامل بسیار مهم در اقتدار و گسترش هراتی است. و از این رو استکبار جهانی این دو نقطه حیاتی را هدف گرفته و به اسم مبارزه با خشونت، برخی از احکام اسلام به ویژه جهاد را زیر سؤال برده و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را نشانه گرفته است؛ و از سوی دیگر با اختلاف افکنی میان مذاهب و نحله های مختلف اسلامی در صدد از بین بردن همدلی و وحدت مسلمانان و مهجور و متروک ساختن «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است.

اگرچه راهبرد اصلی نظام خلافت مابودی امت اسلامی است؛ اما از آنجا که نظام مقدس جمهوری اسلامی ام القرای اسلام و بنیادی واقعی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» است، بیشترین سرمایه گذاری دشمن در تضعیف این دو ویژگی در میان مردم با «صلابت» و «مهربان» ایران اسلامی است و برای رسیدن به این هدف از راهبرد «دوست نشان دادن دشمنان خارجی و براندازان داخلی» و «شبهه افکنی در مشروعیت مبارزه با دشمنان خارجی و دنباله های داخلی آنان» استفاده کرده است و بر این اساس از یک سو عده ای را برای براندازی تحریک، هدایت، و حمایت می کند؛ و از سوی دیگر در بین مردم نسبت به سخت گیری و شدت در برابر دشمن تردید ایجاد می کند و از ایجاد وحدت و رحمت در میان خودی ها جلوگیری می کند.

حال با توجه به روشن شدن اهمیت آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و ارتباط آن با موضوع کتاب این قسمت از آیه شریفه را مورد بررسی بیشتری قرار می دهیم.

همان گونه که بیان کردیم یکی از ویژگی های مهم پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان که نقش مهمی در گسترش اسلام داشته است، مسئله مهر و قهر یا جاذبه و دافعه و به تعبیر زیبا و دقیق خود قرآن رحمت و شدت پیامبر ﷺ و اصحاب ایشان نسبت به خودی و غیر خودی است؛ ایشان ضمن برخورد قاطعانه و با صلابت با دشمنان دین خدا و مردم، با رحمت بسیار زیاد با خودی ها رفتار می کردند.

اگرچه وجود این دو صفت در همه انسان‌ها ضروری و تا حدودی طبیعی است، اما مهم این است که هریک از این دو ویژگی را در کجا، برای چه، و نسبت به چه کسانی استفاده کنیم؟ به عبارتی دیگر؛ در کجا باید از قوه قهریه استفاده کرد و با صلابت ایستادگی نمود؟ و در کجا و نسبت به چه کسانی باید با رحمت و مهربانی رفتار کرد؟ و اصولاً مفهوم شدت و رحمت چیست؟ و سؤالات دیگری که در این قسمت به آنها پاسخ خواهیم داد.

مفهوم شدت در برابر کفار

اشدء جمع شدت و واژه‌ای عربی است، و آن گونه که واژه شناسان گفته‌اند شدت به معنای صلابت و قوت به کار می‌رود و متضاد آن لین و نرمی است^۱؛ بنابراین مفهوم آیه این است که پیامبر ﷺ و یارانش کسانی هستند که در برابر دشمن محکم و استوار می‌ایستند و کوچک‌ترین نرمی که موجب طمع افتادن دشمن در ایجاد رخنه و نفوذ در آنها باشد از خود نشان نمی‌دهند و البته پر واضح است که مفهوم این شدت و استواری هرگز به معنای بداخلاقی و دشنام یا استفاده از اقدام‌های سلف‌شیخ علیه دشمن نیست، زیرا رعایت عدالت نسبت به دشمن^۲ و پرهیز از دشنام حتی به بت‌های مشرک^۳ از اصول اخلاقی و قرآنی مسلمانان است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

اشدء، یعنی با استحکام مطلق. درباره آهن می‌گویند: «إِيهَ نَأْسٌ شَدِيدٌ»^۴؛ شدید است؛ یعنی مستحکم است. شدت در اینجا به معنای ظلم نیست، به معنای حتماً خونریزی هم نیست. به معنای استحکام است؛ یعنی این خاکریز نباید شل و نرم باشد؛ این دیوار نباید

۱. ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع،

دار صادر، بیروت، لبنان، سوم، ۱۴۱۴ هـ ق ج ۳، ص: ۲۳۲.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَيَّ الْأَتَعْدِلُوا ااعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده: ۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شمارا به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است!

۳. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدُوًّا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: ۱۰۸)

(به معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند!

۴. حدید: ۲۵

رخنه داشته باشد. حرف امروز و حرف همیشه من به جناح‌ها و شخصیت‌های سیاسی در این کشور این است که در مقابل دشمن به گونه‌ای نباشید که او احساس کند از این طریق می‌تواند در دل انقلاب رخنه کند و نفوذ خودش را گسترش دهد.^۱

مراد از کفار در آیه تشریفه

اگرچه کفار که جمع کافر است در معانی گوناگونی از جمله غیر مسلمان استفاده می‌شود اما با توجه به نوع برخورد حضرت پیامبر ﷺ با غیر مسلمانان در مدینه و خارج از مدینه به نظر می‌رسد منظور از کفار در این آیه کریمه دشمنان اسلام‌اند، خواه دشمنان در حال جنگ با کسانی که نسبت به اسلام کینه و عداوت دارند؛ بنابراین کفار در این آیه شامل غیر مسلمانانی که به اسلام و مسلمانان علاقه‌مند هستند و چه بسا اگر برای آن‌ها اسلام درست تبیین شود به اسلام گرایش پیدا می‌کنند، نمی‌شود. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌گویند:

خدای متعال... درباره اصحاب پیغمبر می‌فرماید «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» این‌ها در مقابل کفار، یعنی همان مسلمانانی که صف بسته‌اند، شدیدند. مراد از کفار، آن یهودی یا مسیحی نبود که زیر سایه پیغمبر در مدینه زندگی می‌کرد. همان وقت بودند، مسیحیان و یهودیانی که داخل مدینه زندگی می‌کردند و پیغمبر و اصحابش با آن‌ها روابط خوبی داشتند. آن‌ها را «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» نمی‌گویند. «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» به کفاری می‌گویند که یا مثل کفار قریش به‌طور دائم علیه اسلام و مدینه اسلامی در حال تحرکات نظامی بودند؛ یا مثل یهودی‌های بنی قریظه و خیبر و بقیه مناطق دائم کارشکنی می‌کردند بروند این طرف و آن طرف سفر کنند، این گروه و آن گروه را علیه اسلام جمع کنند؛ لشکرکشی کنند، تحریک کنند، شایعه درست کنند و یا کسانی که در چهره مسلمان اما بادل و باطن کافر در داخل مدینه زندگی می‌کردند و دائم هم‌با کفار دسته اول و یا با کفار دسته دوم ارتباط داشتند. «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»، یعنی اشداء بر این سه دسته.^۲

۱. خامنه‌ای (امام)، سید علی حسینی، نرم‌افزار حدیث ولایت، بیانات، سال ۱۳۷۹، ص: ۱۲۰.

۲. همان، ص: ۱۱۹.

رحمت چیست، خودی کیست؟

رحمت و غضب دو صفت از صفات حُسْنای الهی است، با این تفاوت که رحمت خدا همه چیز را فرا گرفته^۱ و نیز رحمتش بر غضبش سبقت جسته است؛^۲ و شاید بتوان چنین گفت که رحمت اصل است و غضب فرع و به تعبیر دیگر با نگاه کلی، غضب پروردگار نسبت به بندگان هم به سبب رحمت اوست، بدین معنا که خدا به خاطر رحمتی که نسبت به بندگان گناه‌کار دارد، بر آنها غضب می‌کند شاید آنها برگردند.^۳

پیامبر مکرم اسلام ﷺ که مظهر جمال و جلال خدای متعال است؛ رحمت واسعه خدا در او تجلی یافته و او هم رحمت برای جهانیان است؛^۴ و اگر نبود رحمت گسترده‌ای که خداوند به پیامبر ﷺ عطا فرموده است، مردم از کنار او پراکنده می‌شدند؛^۵ اما به دلیل رحمت فراگیر آن حضرت، همه انسان‌های غیر عنود، شیفته اخلاق و آیین او شدند؛ و شاید به همین سبب خداوند در آیه مورد بحث نفرموده است که پیامبر ﷺ و اصحابش نسبت به مؤمنینی که از درجه بالایی از ایمان برخوردارند، ربان و رحیمند، بلکه فرموده نسبت به خودشان رحیم‌اند، و این حاکی از گسترده بودن دایره رحمت ایشان است، و تا جایی که امکان داشت آن حضرت چتر رحمت خود را می‌گسترانیدند، و بلاد که بهانه‌ای افراد را از دایره خودی خارج نمی‌ساختند، تا جایی که همه مردم با هر سطحی از ایمان و فهم دینی با پیامبر ﷺ مراوده داشته و سخن می‌گفتند و حتی برخی از مسلمانان راجع به مسایل جنسی و امور زناشویی بسیار شخصی و به ظاهر خلاف عفت، پرسش می‌کردند و آن حضرت با گشاده‌رویی پاسخ می‌فرمودند و بالاتر اینکه

۱. وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (اعراف: ۱۵۶).

۲. یا من سبقت رحمته غضبه؛ سماهیجی، عبد الله بن صالح، الصحیفة العلویة والتحفة المرتضویة، ترجمه رسولی، تهران، چاپ: سوم، ۱۳۹۶ ق ص ۳۱۲.

۳. برای اثبات این مدعا می‌توان به این آیه شریفه استناد کرده؛ با این توضیح که خدا به سبب گناه بندگان بر آنها غضب می‌کند و مشکلاتی را در زمین ایجاد می‌کند تا شاید بندگان با دیدن این مشکلات که به سبب غضب الهی است توبه کرده و بازگردند ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا أَلْعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم: ۴۱) فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است خدای می‌خواهد نتیجه برخی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! (۴۱)

۴. وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (انبیاء: ۱۰۷) ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

۵. فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَّكَ فَوْقَهُمْ حَاكِمٌ لَّا لَتَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ (آل عمران: ۱۵۹) به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب!

پس از فتح مکه نه تنها دشمنان دیرین و درجه یک خود مانند ابوسفیان را از زیر تیغ نگذراندند بلکه عفو عمومی اعلام فرمودند مگر موارد معدودی که عفو آنها به صلاح نبود.^۱ بنابراین چنین نبود که به خاطر گناهان و اشتباهاتی که افراد مرتکب می شدند یکی یکی آنها را طرد نمایند مگر در موارد محدود که بیشتر جنبه تربیتی و آموزشی برای دیگر مسلمانان داشت. از این رو آن حضرت برخی از یاران خود را که از برخی دیگر بدگویی می کردند (گاهی راست و گاهی هم خلاف واقع) شدیداً نهی کرده و می فرمودند:

لَا يُبْلَغُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عَنْ أَصْحَابِي شَيْئًا فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُخْرَجَ إِلَيْكُمْ وَ أَنَا سَلِيمُ الصَّدْرِ.^۲
دائماً نزد من نیایید و از همدیگر بدگویی کنید. من مایلم وقتی که میان مردم ظاهر می شوم و به میان اصحاب خود می روم، «سلیم الصدر» باشم؛ یعنی با سینه صاف و پاک و بدون هیچ گونه سابقه و بدبینی به میان مسلمانان بروم...^۳

رهبر معظم انقلاب بر این باره می فرماید:

همه آحاد مردم و عیقه دارند که فضا را فضای سالم قرار بدهند؛ فضایی که در آن، محبت بر خصومت فایق و غالب باشد. این، در اسلام بسیار مهم است. ... ببینید آن کسانی که با خدا و رسولش و جامعه اسلامی و امت مسلمان دشمنند، چه کسانی هستند؛ دشمنی را متوجه آن ها کنید تا مابقی وجود شما دوستی و محبت نسبت به آحاد جامعه باشد.
سعی کنید همه را دوست بدارید. این، یک تکلیف شرعی و تعلیم اسلامی است. این، چیز بدی نیست. برای دشمن داشتن، نباید بهانه پیدا کرد و انسان را بر سر راه بهانه ای، از مجموعه و لیست محبت خود خارج کند و دور بیندازد. نه، فضای جامعه اسلامی، فضای صمیمیت است؛ و لو کسی را که نمی شناسید.

همین طور، باید روح سوءظن و بدبینی نسبت به افراد را در نظام اسلامی از بین برد. ... وقتی که غلبه با حق است، حکومت متعلق به خدا و بندگان اوست و راه، راه صراط مستقیم دین است، در اینجا باید سوءظن ها را کنار گذاشت و حسن ظن داشت؛ مگر آنکه برای انسان چیزی ثابت بشود. این، آن تکلیف اسلامی است.^۴

۱. سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم (ص)، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.

شصت و یک، ۸۱۶. ۴۲. سبحانی جعفر؛ فروغ ابدیت

۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش. ص ۱۷. ۵۱.

۳. خامنه ای (امام) همان، سال ۱۳۶۸، ص ۳۰۷.

۴. همان، سال ۱۳۶۸، ص ۳۱۱.

ایشان در دیدار با کارگزاران نظام با اشاره به بخش‌هایی از دعای مکارم الاخلاق درباره تقوی و اینکه فرونشاندن آتش‌هایی که بین افراد جامعه برمی‌افروزند، و گردآوردن افرادی که از جامعه جدا شده‌اند از مصادیق تقواست؛ در ادامه می‌فرماید:

بعضی‌ها آتش‌افروزی‌های سیاسی و جناحی می‌کنند. عده‌ای کانه برای این کار مأموریت دارند. من می‌بینم در داخل کشور خودمان که یک عده‌ای می‌خواهند اصلاً عناصر گوناگون را، جناح‌های مختلف را، افرادی از هریک از جناح‌ها را به جان هم بیندازند و اختلاف ایجاد کنند؛ کانه اصلاً از آتش‌افروزی خوششان می‌آید؛ این خلاف تقواست. تقوا این است: «اطفاء النّائرة». همچنان که در یک محیط مادی و فضای مادی، شما یک آتش‌افروزی را اطفاء می‌کنید، باید در فضای انسانی و معنوی و اخلاقی هم آتش‌سوزی‌ها را مهار و اطفاء کنید.^۱

سپس ایشان در رابطه با جذب حداکثری می‌گویند:

ما عرض کردیم جذب حداکثری، دفع حداقلی. البته معیار و میزان، اصول و ارزش‌هاست. انسان‌ها از لحاظ ایمان در یک حد نیستند. مادر بین خودمان آدم‌هایی داریم ضعیف‌الایمان، آدم‌هایی داریم که ایمان‌شان قوی‌تر است. باید راه بیابیم. نمی‌شود ضعیف‌الایمان را دفع کرد، نمی‌شود فقط به کسانی چشم دوخت که قوی‌الایمانند؛ نه، ضعیف‌را هم باید در نظر داشت. کسانی که خود را قوی می‌دانند، آن کسانی را که ضعیف می‌دانند، ملاحظه کنند، مراعات کنند. دفع نکنند. آن کسانی که جزو مجموعه هستند، لیکن بر اثر اشتباه و غفلت کنار افتادند، جدا افتادند، این‌ها را به خود بیاورند؛ این‌ها را نصیحت کنند، دلالت کنند، راه را به آن‌ها نشان بدهند، آن‌ها را برگردانند. اینها مسائل اساسی است.^۲

معیار جاذبه و دافعه

اخلاص که یکی از مهم‌ترین دستورهای اسلامی است، در همه امور، ملاک و معیار سنجش اعمال انسان‌هاست؛ عبادت اگر مخلصانه و برای خدا نباشد باطل است؛ اعمال غیر عبادی نیز اگر صبغه و رنگ خدایی به خود بگیرد، از ارزش بیشتری برخوردار است، دوستی و دشمنی

۱. همان، سال ۱۳۸۹، ص ۱۵۱.

۲. همان.

اگر فی الله نباشد مطلوب اسلام نمی باشد،^۱ اتفاق به دیگران هم اگر برای خدا نباشد کم ارزش است و اگر برای خدا باشد ممدوح خدا قرار می گیرد؛ و سوره ای از قرآن در وصف آنها نازل می شود.^۲ و به طور کلی هیچ رنگی بهتر از رنگ خدایی نیست^۳ و هیچ عملی همچون عمل برای خدا بالا نمی رود.^۴ بنابراین، شدت بر دشمنان و رحمت بر خودی ها فقط باید برای خدا باشد نه برای حب و بغض شخصی، جناحی و حزبی.

امام خامنه ای (مدظله العالی) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی * در این خصوص به نکات کاربردی و جالبی اشاره کردند؛ ایشان پس از تذکر این نکته که دشمن انقلاب بیکار نمی نشیند و سعی در انحراف انقلاب دارد، می فرماید برای جلوگیری از انحراف باید به سراغ شاخص برویم و بهترین شاخص امام و خط امام است؛ ایشان سپس شاخص های فراوانی از خط امام را بیان کرده و یکی از مهم ترین این شاخص ها را دافعه و جاذبه امام بر شمرده و در ادامه می گویند:

یک شاخص دیگر بر خط امام و راه مستقیم امام، مسئله جاذبه و دافعه امام بود... انسان های بزرگ، جاذبه و یک طیف وسیعی را به وجود می آورد؛ دافعه ای آنها هم همین طور، یک طیف عظیمی را به وجود می آورد. جاذبه و دافعه امام تماشایی است. آنچه که مبنا و معیار جاذبه امام و دافعه امام بود، باز هست بود، اسلام بود.

ایشان در ادامه به بخش هایی از دعای امام سجاده * استناد کردند و می گویند:

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ، وَالبَغْضُ فِي اللَّهِ، وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَالتَّبَرُّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر یک از این ها را که گفتید فضیلتی است، ولی پاسخ پرسش من نیست. محکم ترین دستاویزهای ایمان دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا و پیروی اولیای خدا و بیزاری از دشمنان خداست. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی (ط - الإسلامية)، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران، ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق؛ ج ۳؛ ص ۳۲۵، ۷۵.

۲. اشاره به سوره هل اتی است که در وصف اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شد که سه روز پی در پی غذای افطار خود را برای خدا اتفاق کردند و حتی توقع تشکر را هم نداشتند.

۳. صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (بقره: ۱۳۸) رنگ خدایی (پذیریدن رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می کنیم.

۴. مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر: ۱۰) کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست سخنان پاکیزه به سوی او صعود می کند، و عمل صالح را بالا می برد.

امام سجاد علیه السلام چیزهایی را از خدای متعال... درخواست می کنند... پروردگار! از تو می خواهیم که با همه دشمنان خودمان صلح کنیم، سلم و مدارا پیشه کنیم، بعد بلافاصله می فرمایند: ... مگر آن دشمنی که من به خاطر تو با او دشمنی کردم، در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد.^۱

سپس به نمونه هایی از دافعه امام خمینی علیه السلام اشاره کرده و می گویند:

همان امامی که از اول شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی توده مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، این جور آغوش باز کرده بود... همین امام در اول انقلاب یک مجموعه هایی را از خود طرد کرد... در همان اوائل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیست ها موضعگیری کرد و این ها را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال مسلک ها و دلباختگان به نظام های غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ ریاپستی و ملاحظه ای نکرد. مرتجعین را... از خودش طرد کرد. امام دعوای شخصی ندارد؛ اما در دایره مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعه خود را اعمال می کند... تولی و جبری در عرصه سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ اینجا هم باید انسانی و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه می خواهد.^۲

امام خامنه ای در انتها به فتنه سال ۸۸ اشاره کرده و می فرماید:

کسانی بیایند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، در برابر مسئله قدس در روز قدس آن جور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فضا را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنای امام و حرکت امام صریحاً مخالف اند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را در کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوییم ما دنباله رو امامیم! این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملت هم این را خوب فهمیدند. ملت این را می بیند، می داند، می شناسد، می فهمد.^۳

۱. خامنه ای (امام)، همان، بیانات، سال ۱۳۸۹، ص: ۸۲. متن سخنان امام علیه السلام بدین شرح است: وَ أَنْ تُسَلِّمَ مَنْ عَادَانَا حَاشِيَ مَنْ عُوِدِي فِيكَ وَلَكَ، فَإِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُوَالِيهِ، وَالْحِزْبُ الَّذِي لَا نُنْصَافِيهِ. علي بن الحسين، امام چهارم علیه السلام، الصحيفة السجادية - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ص ۱۸۸.

۲. همان، ص: ۸۳.

۳. همان، ص ۸۴.

ریزش‌ها و رویش‌ها محکی برای ارزیابی عملکرد حاکمان

هر حکومت جدیدی که تأسیس می‌شود به‌ویژه اگر به‌وسیله انقلاب روی کار آمده باشد، در ابتدا دارای طرفداران و مخالفانی است، و هر قدر که از تأسیس نظام می‌گذرد به تدریج عده‌ای از طرفداران پیشین به جرگه مخالفان حکومت می‌پیوندند، و بالعکس عده‌ای دیگر به طرفداران حکومت اضافه می‌شوند؛ به عبارت دیگر هر نظام و حکومتی دارای ریزش‌ها و رویش‌هایی است. به‌طور کلی این ریزش‌ها و رویش‌ها به دو دلیل عمده صورت می‌گیرد:

أ. عملکرد خوب یا بد مسئولان و مجریان نظام

بسیار روشن است که عملکرد خوب مسئولان و مجریان بهترین شیوه جذب و رویش دیگران است؛ و برعکس، عملکرد بد آن‌ها مهم‌ترین عامل برای دفع و ریزش مردم است.

ب. همسویی یا عدم همسویی اهداف نظام با اهداف عده‌ای از شهروندان

در هر کشوری علاوه بر اینکه تعدادی از مردم به‌طور کلی اهداف نظام جدید را از همان ابتدا نمی‌پذیرند؛ عده‌ای دیگر از اهداف نظام انقلابی که در ابتدا به دنبال منافع مادی خود انقلاب را همراهی کردند، پس از نرسیدن به آن اهداف دست از نظام کشیده و بعضاً به مخالفان می‌پیوندند. از سوی دیگر، عده‌ای با مشاهده اهداف و عملکرد نظام جدید و هم‌خوان بودن آن‌ها با اهداف و آرمان‌های خود به جرگه طرفداران آن‌ها می‌شوند.

بنابر این، اصل این ریزش‌ها و رویش‌ها طبیعی است؛ اما مهم این است که چه کسانی، و چه تعدادی، و با چه اهدافی از نظام و انقلاب فاصله می‌گیرند، یا به نظام گرایش پیدا می‌کنند؟ بر این اساس است که می‌توان فهمید آیا ریزش‌ها و رویش‌ها دلیل بر حقانیت نظام است یا دلیل بر فاصله گرفتن و انحراف حکومت از آرمان‌های اولیه انقلاب؟

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین نیازهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران این است که نهادها و سازمان‌های وابسته به نظام و حتی نهادهای مردمی با پژوهشی میدانی و البته به دور از هر گونه تعصب و پیش‌داوری به بررسی همه‌جانبه و تحلیلی ریزش‌ها و رویش‌ها بپردازند که افراد جدا شده یا به نظام پیوسته از چه اقشار و چه تعدادی هستند؟ و چرا و با چه اهدافی از نظام فاصله گرفته یا به آن نزدیک شده‌اند؟

اما در هر حال و بدون نیاز به هر گونه استدلال می‌توان ادعا کرد که دو نوع ریزش برای هر نظامی خطرناک است؛

ا. نسبت ریزش توده‌های مردمی (به هر دلیل) بیش از رویش‌های مردمی باشد.
 ب. فاصله گرفتن تعداد قابل توجهی از افراد انقلابی و جنگ‌دیده از نظام.
 البته این ریزش‌ها در صورتی خطرناک است که این افراد به دلیل فاصله گرفتن نظام از اهداف مقدس خود از انقلاب جدا شده‌اند، نه به خاطر منافع دنیوی و تغییر هویت خود آن‌ها. از طرف دیگر نقطه قوت هر نظام به‌ویژه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران این است که بتواند روزبه‌روز افراد بیشتری از توده‌های مردم بی تفاوت و حتی مخالفان و معاندان را جذب کند؛ و شاید این، همان مفهوم جذب حداکثری است که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بارها بر آن تأکید کردند. مؤید این سخن قسمت اخیر آیه مورد بحث است:

«مسلمانان مانند زراعتی هستند که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به گفتنی وامی‌دارد».

خداوند متعال در این آیه کریمه رشد روز افزون مسلمانان را به جوانه‌های کوچکی تشبیه می‌کند که در کنار گیاه می‌رویش و رشد می‌کند و محکم بر روی پای خود می‌ایستد؛ مرحوم علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید:

«این آیه به این نکته اشاره می‌کند که خدای تعالی در مؤمنین برکت قرار داده و روز به عده و نیروی آنان اضافه می‌شود. و به همین جهت دنبال این کلام فرمود: «لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» تا خداوند به وسیله آنان کفار را به خشم آورد».

سخن پایانی و ساختار مباحث کتاب

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان این نتیجه را به عنوان مقدمه ورود به بحث‌های بعدی به دست آورد که؛ خداوند اراده فرموده به وسیله اسلام که کامل‌ترین دین است، بشریت را به سر منزل مقصود و سعادت برساند؛ و این دین پس از فراز و فرودهای فراوان امروزه با وقوع انقلاب کبیر جمهوری اسلامی ایران به نقطه عطف خود رسیده و نوید بخش رشد و گسترش مجدد تمدن اسلام در سراسر جهان و مقدمه‌ای برای فراگیر شدن اسلام خواهی در همه عالم است؛ و از آنجایی که «ایجاد تمدن اسلامی» از آرمان‌های به حق نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان؛ مترجم؛ موسوی همدانی، سیدمحمد باقر؛ دفتر انتشارات اسلامی، جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم؛ ۱۳۷۴ ش ج ۱۸، ص: ۴۴۸.

است، بنابراین، نظامی با این آرمان بلند و آن معارف بی نظیر، باید با حفظ اصول و ارزش‌ها الگوی عملی اسلام ناب غیر التقاطی را به جهانیان ارائه کرد و مردم تشنه معارف منطبق با فطرت را به خود جذب نماید.

بی تردید برای رسیدن به آن قله رفیع، علل و عوامل فراوانی باید دست به دست هم دهند تا آن مقصود نهایی حاصل آید؛ یکی از آن عوامل، ایستادگی قاطعانه و با صلابت در برابر دشمنان اسلام، نظام اسلامی و مردم است؛ و از آنجا که دشمنان نظام، شکست تلخ حمله از بیرون مرزها را تجربه کرده‌اند، برای ساقط کردن این نظام مقدس، برنامه‌ریزی‌های دراز مدتی را برای از بین بردن نظام به وسیله ایادی داخلی یا خارجی طراحی و اجرا کرده‌اند، که برای نمونه می‌توان به حوادث متعدد ابتدای انقلاب، و نیز فتنه‌های تابستان ۷۸ و ۸۸ اشاره نمود که اگر نبود رهبری حکیمانه و قاطعانه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و عملکرد به موقع و هوشمندانه مردم و مسئولان به آیات شریفه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛ براندازی مورد نظر ضد انقلاب محقق شده بود.

اما متأسفانه این موضوع بهیچ وجه، مقابله شدید با دشمنان نظام) مانند هر پدیده دیگری گرفتار افراط و تفریط شده و دیدگاه‌ها و عملکردهای متضاد نسبت به آن ابراز و اعمال می‌شود؛ عده‌ای به نام مقابله با براندازی، محاربه یا افسار، فی الارض هیچ گونه اعتراض به حقی را بر نمی‌تابند، و انتقادات و اعتراض‌هایی را که می‌توانست به سازنده و موجب رشد و شکوفایی کشور شده و از انحراف و کج‌روی‌های برخی از مسئولان جلوگیری نماید، اقدام علیه نظام تلقی می‌کنند؛ و با برخورد‌های نامناسب و نابجا موجب دفع یا انکساری و ریزش‌های فراوان می‌شوند و در مقابل، عده‌ای دست آشکار دشمن در اقدام علیه نظام را که به قصد براندازی صورت می‌گیرد نمی‌بینند و جلوگیری از آن را مخالف آزادی و حقوق اساسی ملت قلمداد می‌کنند.

به دیگر سخن، عده‌ای با نگاه تفریطی به «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» دشمن را خودی می‌انگارند، و عده‌ای با نگاه افراطی به «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»؛ خودی‌های معترض و دل‌سوز را دشمن می‌پندارند. و این دو نگاه، علی‌رغم اینکه به ظاهر با یکدیگر متضادند؛ اما به واقع در ساقط کردن نظام مشترکند. زیرا دسته اول حقوق ملت را نادیده گرفته‌اند و دسته دوم حقوق حاکمیت

را، و حال آنکه حقوق دولت و ملت متقابل است و هر کدام که مورد غفلت قرار گیرد هم ملت آسیب می بیند و هم دولت.

این نگاه افراطی و تفریطی به معترضان خودی و دشمنان دوست نما که هر دو در جهالت مشترکند،^۱ نویسنده را بر آن داشت تا به منظور آگاهی عموم مردم با مبانی و شیوه های اعتراض در حکومت دینی و نیز آشنایی مأمورانی که وظیفه مقابله با جرایم امنیتی را بر عهده دارند با قوانین و مقررات، دست به تألیف کتابی در این زمینه بزند؛ اما زیادی مطالب، نگارنده را به این نکته رهنمون ساخت که دو موضوع یاد شده را در دو کتاب مستقل تألیف نماید. و البته حق این بود که موضوع اول پیش از موضوع دوم تألیف شود اما به دلایلی بر آن شدم تا موضوع دوم را زودتر تقدیم خوانندگان نمایم؛ بر این اساس و به منظور آگاهی عموم مردم به ویژه کارکنان عزیز و جان برکف نیروهای مسلح که وظیفه اصلی حفظ نظام و دفاع از انقلاب بر دوش آنهاست کتاب پیش روی، احکام شرعی و مقررات قانونی موضوع دوم را در چهار فصل زیر تبیین می کند.

فصل اول: در فصل اول مفاهیم و واژه های جرم، جرم سیاسی، امنیت و جرایم امنیتی از نظر لغت، اصطلاح و منابع دینی مسس گردیده و برخی مباحث عمومی و کلی مانند عناصر تشکیل دهنده جرم، معاونت و مشارکت در جرم، تارخچه و سیر تصویب قوانین مربوط به جرایم امنیتی بررسی شده است.

فصل دوم: در این فصل با استفاده از منابع فقهی و شرعی به مفهوم و چیستی جرایم امنیتی از قبیل بغی، محاربه، افساد فی الارض، جاسوسی، براندازی، بیابازی از مسایل دیگر به تفصیل بررسی و تبیین گردیده است.

فصل سوم: در فصل سوم با استفاده از قرآن، احادیث و منابع فقهی؛ مبانی مشروعیت مقابله با جرایم امنیتی توضیح داده شده و وظایف مردم و نیروهای مسلح در مقابله با جرایم امنیتی به تفکیک هر یک از قوای نظامی و انتظامی و به طور مستند بررسی شده و به مسایل دیگری همچون محوریت قانون الهی در برخورد با مجرمان و رابطه قوانین جمهوری اسلامی با قانون الهی نیز پرداخته شده است.

فصل چهارم: از آنجایی که ممکن است عده ای از کارکنان نیروهای مسلح در مقابله با جرایم امنیتی از وظایف و دستور سرپیچی یا کوتاهی کنند و یا در جلوگیری از مجرمان، مرتکب تجاوز به حقوق شهروندان شوند، در این فصل مصادیق گوناگون این نوع جرایم با استفاده از

۱. قَالَ عَلِيٌّ لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُقَرِّطًا. نهج البلاغه صبحی صالح، کلمات قصار ۷۰.

منابع دینی و قوانین موضوعه بررسی شده و در پایان مسئولیت مدنی و کیفری کارکنان نیروهای مسلح نسبت به شهروندان تبیین گردیده است.

نکته‌های قابل توجه

أ. باتوجه به اینکه کتاب پیش روی برای آشنایی کامل با همه مسایل مربوط به مقابله با جرایم امنیتی است، بنابراین علاوه بر اینکه به مباحث فقهی و حقوقی توجه شده، به برخی از مباحث اخلاقی نیز پرداخته شده است.

ب. از آنجایی که بیان فتوا و قانون بدون تبیین دلایل آن از جذابیت لازم برخوردار نبوده و ملال آور خواهد بود؛ و از سوی دیگر استدلال‌های سنگین فقهی و حقوقی برای خوانندگان خسته کننده است، از این رو مطالب کتاب به صورت نیمه استدلالی و حتی الامکان با بیانی روان ارائه و کمتر مطلبی بدون مستند قرآنی و روایی بیان شده است؛ و در بسیاری موارد برای پرهیز از اطاله کلام، آیات، احادیث و مستندات فقهی و حقوقی در پانوشت مورد اشاره قرار گرفته است.

ت. قوانین، مقررات و مطالب که از دیگران نقل شده به سه صورت زیر استفاده شده است:

۱. نقل کامل مطلب

۲. نقل مطلب به صورت تلخیص شد

۳. نقل مطلب یا قانون با برداشت آزاد

به همین سبب و برای رعایت امانت داری، نوع نقل مطلب در پانوشت مشخص شده است. در پایان خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق او همواره همراه من بوده و در همه لحظات، دست یاریش را در این تألیف به روشنی مشاهده کردم.

و درود و سلام می‌فرستم به روح مطهر امام* و شهدا که زمینه ترویج معارف اهل بیت پیامبر ﷺ را فراهم نمودند.

و نیز تلاش علمی همه فقها و مفسران پیشین که استفاده از کتب آنها بر غنای این اثر ناچیز افزود را ارج می‌نهم.

و از همه کسانی که با مطالعه و نقد کتاب بر اتقان چاپ‌های بعدی آن می‌افزایند، پیشاقل سپاس خود را تقدیم می‌کنم.

تهران بهمن ۱۳۹۲

حمید قنبری